

## چرایی تفاوت نماز شیعه و اهل سنت

فردوس کاندی\*

### اشاره

دو فرقه مهم در اسلام، شیعیان و اهل تسنن هستند. آن‌ها در اصول دین مانند توحید، نبوت و معاد با یکدیگر مشترک هستند. قرآن و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نماز (با اندکی اختلاف)، روزه و حج، از مشترکات میان این دو مذهب اسلامی به حساب می‌آید، اما در اجرا کردن برخی از احکام، با یکدیگر دچار اختلافاتی شده‌اند که ناشی از تصمیم‌گیری‌های خلفای پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عدم تبعیت و پیروی از دستورات ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام است. در این مقاله به برخی از موارد اختلافی در اجرای احکام میان این دو فرقه مهم اسلامی می‌پردازیم.

### ۱. چرایی تفاوت محتوای اذان اهل تسنن با شیعیان

جملات اذان در میان شیعه و سنی، تا حدودی متفاوت است؛ برای مثال در مذهب شیعه جمله «حی علی خیر العمل» وجود دارد، اما در اذان اهل سنت این بند وجود ندارد و در اذان صبح اهل سنت «الصلاه خیر من النوم» گفته می‌شود. شیعیان اجماع دارند که این شعار توحیدی توسط جبرئیل برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده شده است؛<sup>۱</sup> این در حالی است که اهل سنت معتقدند اذان از طریق رؤیا گرفته شده است. بعضی این رؤیا را به «عبدالله بن زید» و بعضی به «عمر بن خطاب» و بعضی به «ابی بن کعب» نسبت داده‌اند که همگی مردود است؛ زیرا روایاتی نقل شده از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

\* دانش‌آموخته سطح سه جامعه الزهراء عَلَيْهَا السَّلَام.

۱. عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی؛ الدرالمشهور؛ ج ۲، ص ۲۹۴.

خلاف آن است.<sup>۱</sup> در حدیث صحیح زراره و فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: «وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معراج رفت و به بیت المعمور رسید، جبرئیل هنگام نماز اذان و اقامه گفت». امام علیه السلام پس از بیان چگونگی اذان و اقامه فرموده است: «پس از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد که بلال اذان گو باشد. او نیز تا هنگام وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اذان می‌گفت».<sup>۲</sup>

فقه‌های شیعه در کتب فقهی خود، تصریح می‌کنند که شهادت بر ولایت امام علی علیه السلام جزء اذان و یا اقامه نیست و هیچ کس حق ندارد آن را به عنوان جزء آن دو بر زبان جاری کند؛<sup>۳</sup> ولی از آنجا که شهادت به ولایت امام علی علیه السلام شرط ایمان و ولایت است، گفتن آن در اذان بدون قصد جزئیت بلا مانع است.<sup>۴</sup>

اهل سنت پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به دستور خلیفه دوم جزئی از اذان را حذف کردند و جزء دیگری را جایگزین آن نمودند؛ چنانکه تاریخ و روایات صحیح از طریق شیعه و سنی گواهی می‌دهند که «حی علی خیر العمل» جزء اذان بوده است،<sup>۵</sup> در حالی که خلیفه دوم در دوران خلافتش به تصور اینکه مردم با شنیدن آن گمان می‌برند که نماز بهترین عمل هاست و دیگر به سراغ جهاد نمی‌روند، آن را از اذان حذف کرد.<sup>۶</sup> جمله «الصلوة خیر من النوم» نیز در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله جزء اذان نبود و بعدها به اذان اضافه شده است. در منابع اهل سنت آمده است که خلیفه دوم از «متععه زنان»، «متععه حج» و «حی علی خیر العمل» نهی کرد، آن‌ها را تحریم نمود و اعلام کرد که انجام‌دهنده آن‌ها را مجازات می‌کند.<sup>۷</sup>

بنابراین همه اجزای اذان به همان صورت اولی که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحی شده است، باقی مانده است؛ ولی اذانی که اهل سنت می‌گویند نسبت به اذانی که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تشریح شد، با توجه به حذف «حی علی خیر العمل» و اضافه کردن

۱. محمد تقی مجلسی؛ روضة المتقین؛ ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۸.

۲. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۳۶۹ و ۴۱۶.

۳. محمد حسن نجفی؛ جواهر الکلام؛ ج ۹، ص ۸۶.

۴. علی نمازی؛ مستدرک سفینه البحار؛ ج ۶، ص ۸۵.

۵. علی بن حسام متقی هندی؛ کنز العمال؛ ج ۸، ص ۳۴۲.

۶. سید بدرالدین الحوثی؛ رسائل سید بدر الدین؛ ص ۱۱.

۷. محمد بن جریر طبری؛ المستترشد؛ ص ۵۱۶.

«الصلوة خیر من النوم» هم ناقص است و هم اضافه دارد.

## ۲. چرایی خواندن نمازهای پنج‌گانه توسط شیعیان در سه نوبت و اهل سنت در پنج نوبت

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گاهی میان دو نماز را جمع می‌کرد، اما در اینکه این کار برای هر زمان و مکانی جایز است و یا به زمان و مکان و حالت و شرایط خاصی اختصاص دارد، دو نظر وجود دارد. شیعیان معتقدند در نخستین اوقات نماز ظهر می‌توان پس از پایان نماز ظهر، نماز عصر را به جا آورد. اهل سنت بر این باورند که جمع بین دو نماز برای مکان‌ها، زمان‌ها و شرایط خاصی جایز است.

سبب اختلاف در اوقات نمازها، اختلاف در طریق گرفتن و دریافت احکام است؛ زیرا مطابق روایاتی که از ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام رسیده است و نیز طبق اطلاق آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»، وقت نماز ظهر و عصر از اول ظهر شرعی تا غروب آفتاب است و در تمام این وقت، خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم یا با فاصله جایز است. اگر چه برای هر یک از ظهر و عصر، وقت فضیلت خاصی است که خواندن نماز در اوقات فضیلت مستحب است. شیخ احمد شاکر از عالمان اهل سنت، بعد از نقل کلام ابن سیرین به جواز جمع می‌گوید: «حکم به جمع، کمکی است به طاعت مردم عادی؛ البته نباید این حکم موجب شود که جمع، عادت مردم شود؛ همان‌گونه که ابن سیرین به آن اشاره کرده است».<sup>۱</sup>

کلینی به سند خود از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده است: «رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز ظهر و عصر را بدون عذر، از هنگام زوال خورشید با مردم به جماعت به جای آورد و این جمع را برای گشایش کار بر امت خود انجام داد».<sup>۲</sup>

شیخ طوسی نیز در تهذیب‌الاحکام و الاستبصار به سند خود از اسحاق بن عمار نقل می‌کند که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسید: «آیا می‌توانم بین مغرب و عشا را بدون هیچ عذری جمع کنم؟». حضرت فرمود: «اشکالی ندارد».<sup>۳</sup> مذاهب چهارگانه اهل سنت جمع بین نمازها را جایز نمی‌دانند، مگر در دو مورد خاص که در عرفه و مزدلفه

۱. محمد بن عیسی ترمذی؛ سنن ترمذی؛ ج ۱، ص ۳۵۸ و ۳۵۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ص ۲۸۶.

۳. محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب‌الاحکام؛ ج ۲، ص ۲۶۳؛ محمد بن حسن طوسی؛ الاستبصار؛ ج ۱،

می‌باشد. حنبلی‌ها، مالکی‌ها و شافعی‌ها بر خلاف حنفی‌ها، افزون بر دو مورد یاد شده، جمع بین نمازها را در حال سفر نیز جایز می‌دانند. برخی از این گروه‌ها با هم خواندن دو نماز را در موارد اضطراری جایز می‌دانند.<sup>۱</sup> دیدگاه قرآن و روایات، بهترین حجیت شرعی جواز نماز در اوقات سه‌گانه است. اگر چند قرآن کریم در موارد متعددی<sup>۲</sup> از اصل وجوب نماز سخن گفته و به جزئیات پرداخته است، ولی درباره اوقات نماز می‌فرماید: «نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه‌شب) برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است».<sup>۳</sup> بنابراین در قرآن کریم سه وقت برای نماز ذکر شده است، نه پنج وقت.<sup>۴</sup>

در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بین نماز ظهر و عصر و نیز بین نماز مغرب و عشاء را جمع کرد. از آن حضرت در این مورد پرسیدند، فرمود: «این‌گونه عمل کردم تا حرج و مشقت بر امتم نباشد».<sup>۵</sup> همچنین نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بین ظهر و عصر و مغرب و عشاء را جمع کرد؛ در حالی که نه خوف و نه سفری در کار بود.<sup>۶</sup> امام صادق علیه السلام فرموده است: «هنگامی که خورشید به حد زوال رسید، وقت نماز ظهر و عصر فرا می‌رسد؛ تو آزادی که آن دو را در هر وقتی خواستی، بخوانی تا زمانی که خورشید غروب کند».<sup>۷</sup>

مسلم روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله جمع بین نمازها را در مسافرت خود در غزوه

۱. ر.ک: عبدالرحمن جزیری؛ الفقه علی المذهب الاربعه؛ ج ۱، ص ۴۰۹.

۲. قرآن کریم در ۸۲ آیه از مسئله نماز یاد می‌کند؛ مانند آیات ۳، ۴۳، ۴۵، ۸۳، ۱۱۰، ۱۲۵، ۱۵۳، ۱۷۷، ۲۳۸، ۲۷۷ سوره بقره و سوره‌های دیگر قرآن.

۳. اسراء: ۷۸: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِلدُّلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَفُؤَاءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ فُؤَاءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا».

۴. ر.ک: محمد بن احمد ابن‌رشد؛ بدایة المجتهد؛ ج ۱، ص ۱۷۰، ۱۷۳ و ۱۷۴ و ج ۲، ص ۳۷۴؛ صحیح بن مسلم نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۴، ص ۴۲ - ۳۹، ۳۹ - ۴۲؛ محمد بن علی الشوکانی؛ نیل الاوطار؛ ج ۳، ص ۲۱۳.

۵. محمد بن عبدالباقی زرقانی؛ شرح زرقانی بر موطأ مالک؛ ج ۱، ص ۲۹۴: «جمع النبی صلی الله علیه و آله بین الظهر و العصر و بین المغرب و العشاء فقیل له فی ذلك فقال صنعت هذا لئلا تخرج أمتی».

۶. یحیی بن شرف النووی؛ شرح النووی علی صحیح مسلم؛ ج ۵، ص ۲۱۸ - ۲۱۳.

۷. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۴، ص ۱۲۶: «إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَالعَصْرِ جَمِيعًا إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبِيلَ هَذِهِ ثُمَّ أَنْتَ فِي وَقْتٍ مِنْهُمَا جَمِيعًا حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ».

تبوک انجام داد. سعید بن جبیر نیز می‌گوید: «از ابن عباس سبب آن را پرسیدم؟ گفت: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خواست که امت خود را در سختی نیندازد».<sup>۱</sup> البته روایات فراوانی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علمای اهل سنت در جواز جمع بین دو نماز حتی در غیر سفر و خطر وارد شده است.<sup>۲</sup>

### ۳. چرایی تکتف (دست بستن) اهل سنت در نماز

همه مذاهب اسلامی بر واجب نبودن بستن دست‌ها در نماز، اتفاق نظر دارند. و استحباب بستن دست‌ها در نماز میان اهل سنت شهرت دارد. حنفیه، شافعیه و حنابله بستن دست‌ها در هنگام نماز را جزء سنت می‌دانند. مالکیه بستن دست‌ها را در نماز مستحبی جایز می‌دانند، اما در نمازهای واجب باز بودن دست‌ها را مستحب می‌شمارند. برخی دیگر از تابعین و علمای اهل سنت مانند عبدالله زبیر، حسن بصری، ابن سیرین و لیث بن سعد با دست باز نماز می‌خوانده‌اند.<sup>۳</sup> محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در مورد فردی که با دست بسته نماز می‌خواند و دست راست خود را بر روی دست چپ می‌گذارد، سؤال کردم، حضرت فرمود: «این عمل را انجام نده».<sup>۴</sup>

روش بستن دست‌ها، بدعتی است که بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایجاد شد؛ یعنی در دوران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود نداشت و در دوران خلیفه دوم شروع شد. از آن زمان به بعد، این حالت باب شد<sup>۵</sup> و اکنون نیز بیشتر اهل سنت به روش خلیفه دوم عمل می‌کنند،<sup>۶</sup> ولی امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به شیعیان فرموده‌اند که به روش و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. علی بن یونس نباطی بیاضی؛ الصراط المستقیم؛ ج ۳، ص ۲۹۱.

۲. ر.ک: جعفر سبحانی؛ الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف؛ ج ۱، ص ص ۳۲۲ - ۲۷۵.

۳. محیی‌الدین بن شرف النووی؛ المجموع فی شرح المهدب؛ ج ۳، ص ۳۱۱.

۴. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۲۶۶.

۵. شاهد این مطلب حدیث سهل بن سعد است که بخاری روایت می‌کند: «كان الناس يومرون ان يضع الرجل اليد اليمنى على ذراعه اليسرى في الصلاة». احمد بن علی ابن حجر عسقلانی؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری؛ ج ۲، ص ۲۲۴. حال اگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به قبض امر کرده بود، معنا نداشت که گفته شود: کان الناس يومرون؛ بلکه باید گفته می‌شد: «كان النبي يامر».

۶. حنفیه، شافعیه و حنابله قبض را سنت و مستحب، ولی مالکیه باز بودن دست‌ها را مستحب می‌دانند.

محمدجواد مغنیه؛ الفقه علی المذاهب الخمسة؛ ج ۱، ص ۱۱۱ - ۱۰۹.

عمل کنند و نماز با دستان باز بخوانند؛<sup>۱</sup> چنانکه شیخ صدوق از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده است که حضرت فرمود: «لَا يَجْمَعُ الْمُسْلِمُ يَدَيْهِ فِي صَلَاتِهِ وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَتَشَبَّهُ بِأَهْلِ الْكُفْرِ يَعْنِي الْمَجُوسَ»<sup>۲</sup>؛ مسلمان نباید در نماز و در حالی که در مقابل خداوند عزوجل ایستاده است، دستانش را جمع کند. این عمل تشبه به اهل کفر (یعنی مجوسیان) است».

ابی حمید ساعدی در حدیثی، هیچ‌گونه عملی مثل بستن دست‌ها را در نماز پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذکر نکرده است؛ بلکه ذکر کرده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بعد از تکبیر دست‌ها را پایین آورده و سپس به دو پهلو چسبانند.<sup>۳</sup> زراره نیز از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده است که امام فرمود: «وَلَا تُكْفِّرُ فَإِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ»<sup>۴</sup> دست‌هایت را در نماز نبند؛ چون این عمل از اعمال مجوس است».

عمل تکتف نزد سه مذهب حنفی، حنبلی و شافعی مستحب است: «قرار دادن دست راست بر روی دست چپ زیر ناف یا بالای آن، نزد سه تن از ائمه مذاهب چهارگانه، سنت است».<sup>۵</sup> این عمل نزد مذهب مالکیه، مکروه می‌باشد.<sup>۶</sup> در بعضی از متون اهل سنت و مورد قبول وهابیت، تکفیر یا تکتف از بدعت‌ها و اضافات به دین دانسته شده است؛ چنانکه گفته‌اند: «دست بسته بودن فقط در نماز مستحب، جایز است».<sup>۷</sup>

از دیگر دلایل اهل سنت برای جواز تکتف در نماز، این است که در کتاب صحیح مسلم به نقل از وائل بن هجر آمده است: «پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وقتی که خواست نماز بخواند، دست راست را بر روی دست چپ قرار داد».<sup>۸</sup> این حدیث از نظر سند، مخدوش و

۱. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۷، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.

۲. محمد بن علی صدوق؛ الخصال ج ۲، ص ۶۲۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفر سبحانی؛ الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف؛ ج ۱، ص ۱۹۳ - ۱۶۹.

۳. احمد بن حسین بیهقی؛ سنن بیهقی؛ ج ۲، ص ۷۲، ۷۳، ۱۰۱، ۱۰۲؛ سلیمان بن اشعث ابی داود؛ سنن ابی داود؛ ج ۱، ص ۱۹۴.

۴. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۴، ص ۷۱۰.

۵. عبدالرحمن الجزیری؛ الفقه علی المذاهب الاربعه؛ ج ۱، ص ۲۵۱.

۶. مالک بن انس الاصبیحی؛ المدونة الكبرى؛ ج ۱، ص ۷۴.

۷. محمد بن احمد ابن رشد؛ بدایة المجتهد و نهایة المقتصد؛ ج ۱، ص ۹۹.

۸. صحیح بن مسلم نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۴، ص ۱۱۴.

مرسله است؛ بنابراین نمی‌توان به این حدیث تمسک کرد. در نتیجه علت تکتف در نماز، اولاً در میان اهل‌تسنن نیز مورد اختلاف است. ثانیاً ریشه تاریخی این عمل، بدعت است و در اصل کیفیت نماز در اسلام چنین چیزی نبوده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. چرایی شکسته خواندن نماز در سفر توسط شیعیان و کامل خواندن آن در سفر توسط برخی از اهل سنت

شرایط شکسته خواندن نماز نزد مشهور علمای امامیه شش مورد است: ۱. مسافت، ۲. قصد مسافت و استمرار آن، ۳. خارج شدن از حد ترخص، ۴. شغلش سفر نباشد، ۵. قصد اقامت بیش از ده روز نداشته باشد، ۶. سفر مباح بوده و حرام نباشد. اگر چه در بیان شرایط قصر میان علمای امامیه تفاوت‌هایی وجود دارد، اما در نهایت، برگشت به همین شش شرط دارد.

در میان مذاهب اهل سنت در شرایط قصر، اختلاف وجود دارد؛ به طوری که از حداقل دو شرط تا حداکثر هشت شرط نقل شده است.<sup>۲</sup> از علمای شافعی، سمرقندی هشت شرط بیان کرده است،<sup>۳</sup> ولی موسی الحجاوی پنج شرط بیان کرده<sup>۴</sup> و محیی‌الدین نووی چهار شرط ذکر کرده است.<sup>۵</sup> الآبی از علمای مالکیه، پنج شرط ذکر کرده<sup>۶</sup> و ابن‌قدامه از حنبلیه، سه شرط ذکر کرده است.<sup>۷</sup> بنابراین فریقین در مسافت، اتفاق نظر و اجماع دارند؛ هر چند در مقدار و حد آن اختلاف نظر دارند. لذا یکی از بدعت‌های عثمان که سبب اعتراض و آغاز مخالفت‌های مسلمانان با وی شد، کامل خواندن نماز در منی در سال ۲۹ هجری و سال ششم خلافتش بوده است.<sup>۸</sup>

۱. ر.ک: جعفر الهادی؛ فقه مقارن؛ ج ۱، ص ۱۹.

۲. علاء‌الدین محمد سمرقندی؛ تحفة الفقهاء؛ ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. زکریا بن محمد انصاری؛ فتح الوهاب؛ ج ۱، ص ۱۲۵.

۴. موسی بن احمد الحجاوی؛ الاقناع لطالب الانتفاع؛ ج ۱، ص ۱۵.

۵. محیی‌الدین بن شرف النووی؛ روضة الطالبین؛ ج ۱، ص ۴۹۸.

۶. صالح بن عبدالسمیع الابی الازهری؛ الثمر الدانی (فقه المذهب المالکی)؛ ص ۲۲۳.

۷. عبدالرحمن بن محمد ابن‌قدامه مقدسی؛ الشرح الکبیر؛ ج ۲، ص ۹۱، ۹۳ و ۹۶.

۸. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۸، ص ۴۶۶؛ محمدصادق نجمی؛ اضواء علی الصحیحین؛ ص ۴۲۹ و ۴۳۰.

فقهای امامیه و عامه، مسافت را معیار و ملاک اصلی قصر نماز مسافر ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup> شرط اصلی عنوان مسافر، طی مسافت خاص است.<sup>۲</sup> تعیین مسافت توسط جبرئیل برای رسول خدا ﷺ، دلیل بر این است که ملاک و معیار قصر، مسافت است.<sup>۳</sup>

### فهرست منابع

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۲. ابن رشد، محمد بن احمد؛ بدایة المجتهد و نهایة المقتصد؛ قاهره: مکتبه ابن تیمیة، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد؛ الشرح الكبير؛ بیروت: دار الکتب العربی، [بی تا].
۴. الابی الازهری، صالح بن عبدالسمیع؛ الثمر الدانی (فقه المذهب المالکی)؛ بیروت: المکتبه الثقافیة، ۱۳۳۵ ق.
۵. ابی داود سجستانی، سلیمان بن اشعث؛ سنن ابی داود؛ قاهره: دار الحدیث، ۱۴۲۰ ق.
۶. الاصبیحی، مالک بن انس؛ المدونه الكبرى؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].
۷. انصاری، زکریا بن محمد؛ فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۸. بیهقی، احمد بن حسین؛ سنن بیهقی؛ تحقیق عبدالقادر محمد؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۹. جزیری، عبدالرحمن؛ الفقه علی المذهب الاربعه؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۸ ق.
۱۰. الحجاوی، موسی بن احمد؛ الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل؛ تصحیح و تعلیق عبداللطیف محمد موسی السبکی؛ قاهره: مکتبه التجاریه الكبرى، ۱۳۵۱ ق.

۱. جعفر بن حسن محقق حلی؛ المختصر النافع فی فقه الإمامیه؛ ج ۱، ص ۵۰؛ محمد بن مکی عاملی؛ الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه؛ ج ۱، ص ۲۱۲؛ سید روح الله موسوی خمینی؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۴۴۹.

۲. همان.

۳. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۸، ص ۴۶۱.



۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ چاپ اول قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۲. زرقانی، محمد بن عبدالباقي؛ شرح الزرقانی علی موطا الامام مالک؛ قاهره: مكتبة التجاریه الكبرى، ۱۳۵۵ق.
۱۳. سبحانی، جعفر؛ الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف؛ چاپ اول قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۳۸۱ش.
۱۴. سمرقندی، علاءالدین محمد؛ تحفة الفقهاء؛ چاپ اول بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر؛ الدرالمشور؛ جده: دارالمعرفه، ۱۳۶۵ش.
۱۶. الشوکانی، محمد بن علی؛ نیل الاوطار؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق.
۱۷. صدوق، محمد بن علی؛ الخصال تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ اول قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۱۸. طبری، محمد بن جریر؛ المسترشد؛ قم: مؤسسه الثقافة الاسلامیة، [بی تا].
۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ تصحیح حسن الموسی خراسان؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۰. \_\_\_\_\_؛ الاستبصار؛ تصحیح حسن الموسی خراسان؛ چاپ اول تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۲۱. عاملی، محمد بن مکی؛ الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. الهادی، جعفر؛ فقه مقارن؛ قم: دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت، ۱۳۷۹ش.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۴. متقی هندی، علی بن حسام؛ کنز العمال؛ بیروت: مؤسسه الرسالة، [بی تا].
۲۵. مجلسی، محمد تقی؛ روضه المتقین؛ تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی، [بی تا].
۲۶. محقق حلی، جعفر بن حسن؛ المختصر النافع فی فقه الإمامیة؛ قم: مطبوعات دینی، ۱۳۷۶ش.

٢٧. مغنيه، محمدجواد؛ *الفقه على المذاهب الخمسة*؛ چاپ دهم، بيروت: دار التيار الجديد، ١٤٢١ق.
٢٨. موسوی خمینی، سید روح الله؛ *تحریر الوسیلة*؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، [بی تا].
٢٩. نباطی بیاضی، علی بن یونس؛ *الصراط المستقیم*؛ چاپ اول، نجف: مطبعة الحیدریة، ١٣٨٤ق.
٣٠. نجفی، محمد حسن؛ *جواهر الکلام*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٧ش.
٣١. نجمی، محمدصادق؛ *اضواء علی الصحیحین*؛ قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ١٤١٩ق.
٣٢. نمازی، علی؛ *مستدرک سفینه البحار*؛ قم: جامعه مدرسین، ١٤١٩ق.
٣٣. نیشابوری، صحیح بن مسلم؛ *صحیح مسلم*؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ١٣٤٧ق.
٣٤. النووی، محیی الدین بن شرف؛ *روضه الطالبین وعمدة المفتین*؛ تحقیق: زهیر شاویش؛ چاپ سوم، بیروت: المكتب الإسلامی، ١٤١٤ق.
٣٥. \_\_\_\_\_؛ *شرح النووی علی صحیح مسلم*؛ بیروت: دار القلم، ١٤٠٧ق.
٣٦. \_\_\_\_\_؛ *المجموع فی شرح المهذب*؛ بیروت: دارالهدایة، ١٤٢٨ق.